



غفلت

از غفلت ما دشمن در چهره ی یار آید
 با خاطر آسوده با دوست کنار آید
 دیروز به نومیدي از کوچی ما بگذشت
 امروز نمیدانم از بهر چکار آید
 تا چند خوریم بر سر ما زخم تغافل را
 ای دوست بخود باز آی دشمن به شکار آید
 چیستان که کمش بسیار بی وقفه بگو اغیار
 بسیار حسابش کن هر چند که خار آید
 در عدل خداوندی هر ذره نمایانست
 منصور به خونخواهی با حلقه ی دار آید

جهانگیر (ضمیری) ۱۸ میزان ۱۳۸۹ - کابل

تقلب

از تقلب کار شیطان رونق دیگر گرفت
 بخت او بیدار گشت و کار خود از سر گرفت
 خیر استعفا نمود تا جای او را شر گرفت
 لشکر نیرنگ هر جا خیمه زد سنگر گرفت
 انتقام خویش را از مردم کشور گرفت

کارزار ملی ما را به تیر کینه بست
 جیفه کرد آرای مردم را به خود با پا و دست
 ما نبودیم اینقدر بیچاره از روز الست
 لیک یکبار دیگر تزویر کرد با ضرب شست
 آتشی را بر فروخت تا خانه ی ما در گرفت

تا بکی بازیچه ی دست هوسبازان شویم
 تا بکی محکوم هر نادان به هر عنوان شویم
 تا بکی با جعلکاران رفته هم پیمان شویم
 تا بکی در خرقة ی سالوس خود پنهان شویم
 نا مسلمان رفته رفته جای در منبر گرفت

دعوتی دارم ز مردم بار دیگر اینچنین
 بگذرید از نام های ناروای آن و این
 باز می آید ز وحدت این جهان زیر نگین
 همت مردانه ی خود را به چشم کم مبین
 این درخت دشمنی یکبار دیگر بر گرفت

تا که فرهنگ تقلب بشکند پیکار کن
 خویش را از خواب غفلت یک قلم بیدار کن
 نفس سرکش را به زنجیر آور و افسار کن
 توبه را از صدق دل بار دیگر تکرار کن

دشمن ما با قلب دشمنی از سر گرفت

گرگ نیرنگ مردم بیچاره ی مارا درید
کفچه مار این قلب پای مردم را گزید
مفسدان با زور و زر آرای مردم را خرید
بار کج در منزل مقصود کی خواهد رسید
موقف انصاف را تا دست زور و زر گرفت

زور مندان هر کجا گشتند با مردم طرف
حق مردم بی جهت پابین و بالا شد تلف
تیر ما را این کمان هر گز نبرد سوی هدف
عاقبت خرمهره بیرون گشت از بطن صدف
این خزف ناسفته آمد قیمت گوهر گرفت

عزت پارینه ی ما بود اگر ام البلاد
هر طرف گسترده بود انصاف با فرهنگ داد
درد ما درمان ندارد جز دوی اتحاد
کی قلب چاره کار است یا جنگ و عناد
آتش فساد و کین دامان خشک و تر گرفت
نقدی بر جریان انتخابات مجلس نماینده گان

سنبله 1389 / کابل, جهانگیر (ضمیری)

27